

ریخت‌شناسی قصه‌ی خیر و شر بر اساس نظریه‌ی پراپ

طاهره ایشانی، دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

ساختارگرایی نوعی روش تحقیق است که به ساختارها می‌پردازد و آن دسته قوانین کلی را بررسی می‌کند که بر ساختارها حاکمند. در حقیقت ساختارگرایی روش جست‌وجوی واقعیت و مطالعه‌ی روابط است.

بررسی ساختاری داستان تقریباً از کار ولادیمیر پراپ با عنوان «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» شروع شد. پراپ بر اساس واحدهای تشکیل دهنده‌ی حکایت‌ها و مناسبات آن‌ها با یکدیگر و با کل حکایت، آن‌ها را بررسی کرد. او در بررسی صد قصه نتیجه گرفت هرچند شخصیت‌های قصه‌ها گوناگون و کنش‌ها متنوع است؛ اما نقش ویژه‌ی آن‌ها محدود است. او نقش ویژه (خویشکاری: function) را عمل و کار شخصیت از نقطه نظر اهمیتش در پیشبرد قصه تعریف می‌کند.

در این مقاله سعی شده است که ساختار داستان "خیر و شر" برگرفته از هفت پیکر نظامی بر اساس تحقیقات پراپ در ریخت‌شناسی قصه‌های پریان بررسی شود. همین امر نشان‌دهنده‌ی این است که این نظریه قابلیت کاربست در سایر قصه‌های ایرانی - منظوم و یا منثور - را دارد.

کلید واژه‌ها: ساختارگرایی، پراپ، ریخت‌شناسی، خویشکاری، خیر و شر.

پیوست و تا سال مرگش (۱۹۷۰) در همانجا باقی ماند. در دانشگاه ابتدا زبان تدریس می‌کرد ولی سپس به تحقیق و پژوهش در فولکلور پرداخت. ریاست گروه آموزشی فولکلور با او بود. از جمله آثارش می‌توان به «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، سرچشمه‌ی تاریخی حکایت و شعر حماسی روسی» اشاره کرد. ریخت‌شناسی قصه‌های پریان که در سال ۱۹۲۸ منتشر شد، تأثیر قاطعی بر روایت‌شناسی ساختارگرا گذارد.

واژه‌ی ریخت‌شناسی، برابر واژه‌ی انگلیسی morphology به معنی بررسی و شناخت ریخت‌ها است که پراپ آن را در این اثر معروف خود، به کار بست. «از نظر پراپ، حکایت منفرد به عنوان یک سازه‌ی منحصر به فرد، واحد تحلیل ساختاری بود. او با بررسی مجموعه‌ای از صد حکایت با ترکیب‌بندی مشابه، ساختار یک شاه حکایت (master - tale) را بیرون کشید که سی‌ویک کارکرد آن کلیه‌ی امکانات ساختاری را که در کل مجموعه یافت می‌شود، در بر دارد.» (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۰۲) پراپ کار خود را با علم گیاه‌شناسی قیاس می‌کرد و از آثاری که گوته در مورد ریخت‌شناسی گیاهان نوشته است، نقل قول آورد. این سبب شد که لوی اشتروس نوشته‌های گوته را اولین گام‌ها به سوی ساختارگرایی بداند.

پراپ (۱۳۶۸: هشت) بر اساس واحدهای تشکیل دهنده‌ی حکایت‌ها و مناسبات آن‌ها با یکدیگر و با کل حکایت، قصه‌های پریان را بررسی کرد. او در بررسی صد قصه نتیجه گرفت هرچند شخصیت‌های قصه‌ها گوناگون و کنش‌ها متنوع است؛ اما نقش ویژه‌ی آن‌ها محدود است. او نقش ویژه (خویشکاری: function) را عمل و کار شخصیت از نقطه نظر اهمیتش در پیشبرد قصه تعریف می‌کند.

نتایج بررسی‌های پراپ در چهار قانون کلی خلاصه می‌شود:

۱. خویشکاری‌های اشخاص قصه، عناصر ثابت و پایدار را تشکیل می‌دهند و از این‌که چه کسی آن‌ها را انجام دهد و چگونه انجام می‌پذیرند، مستقل هستند.
۲. شماره‌ی خویشکاری‌ها محدود است.

۳. جایگزینی و توالی خویشکاری‌ها محدود است.

۴. تمامی قصه‌های پریان از دیدگاه ساختاری یک نوع هستند و می‌توان آن گونه‌ی نهایی را کشف کرد.

در این تحقیق برآنیم ساختار داستان " خیر و شر " برگرفته از هفت پیکر نظامی را نیز بر اساس تحقیقات پراپ در ریخت شناسی قصه‌های پریان مورد بررسی قرار دهیم. قبل از این تحلیل، به خلاصه‌ای از این داستان، اشاره می‌نماییم:

۳. خلاصه‌ی داستان خیر و شر:

دو جوان با هم در سفری همراه می‌شوند، نام یکی خیر است و نام دیگری شر. شر، شخصیتی حيله گر و مکار است و چون می‌داند که در بیابان بی آب خواهند شد، از آب مشک خیر می‌خورد و آب خود را نگه می‌دارد. چون به بیابان خشک و بی آب می‌رسند؛ خیر با دادن دو گوهر قیمتی که تنها دارایی اوست، از شر می‌خواهد مقداری آب به او بدهد. شر می‌گوید: اگر دو گوهر را اکنون به من بدهی، وقتی به آبادی رسیدیم از من پس خواهی گرفت. پس دو گوهر چشمت را به من بده تا نتوانی آنها را بستانی. خیر که از فرط تشنگی رو به مرگ است در نهایت این تقاضای بی‌رحمانه را می‌پذیرد. شر دو چشم خیر را با دشنه بیرون می‌کند و بدون این که به او آبی بدهد او را در بیابان رها می‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد.

کرد صحرانشینی که در آن حوالی است، دختری زیباروی دارد. دختر برای بردن آب از چشمه می‌آید و صدای ناله خیر را می‌شنود؛ چون از حال او جويا می‌شود او را سیراب می‌سازد و سپس او را به خانه می‌برد. کرد می‌گوید: «چاره‌ی چشم او آن است که از فلان درخت چند برگ بچینیم، آن برگها را بساییم و سپس دو گوهر چشم او را در حدقه بگذاریم و آن برگ باعث خواهد شد که چشم به حالت طبیعی باز گردد.» دختر خواهش می‌کند که پدر چنین کند. پدر نیز چشم او را به حالت طبیعی باز می‌گرداند. خیر به نشان شکرگذاری در خدمت کرد صحرانشین

